

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۱۵ تا ۲۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

بررسی کنوانسیون نقض شکنجه در حقوق ایران و بین الملل

عبدالمحمد افروغ^۱ دکتری تخصصی حقوق، استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد
دشستان، ایران.

مریم اکبری^{۲*} دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران.

چکیده

کنوانسیون جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر، با هدف پیشگیری و مبارزه با شکنجه در تمامی اشکال آن تدوین شده است. این کنوانسیون چارچوب حقوقی الزام‌آوری را برای دولت‌ها فراهم می‌کند تا نه تنها شکنجه را ممنوع و مجازات کنند، بلکه اقدامات پیشگیرانه مؤثری برای جلوگیری از وقوع آن اتخاذ نمایند. اهمیت این سند در تعهدآوری دولت‌ها و ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل برای مقابله با تخلفات ناشی از شکنجه است که به‌طور قابل توجهی نقض حقوق بنیادین انسانی را کاهش می‌دهد. با وجود تصویب گسترده و پذیرش جهانی این کنوانسیون، چالش‌هایی از قبیل اجرای ناقص تعهدات دولتی، مقاومت سیاسی و فقدان سازوکارهای اجرایی کارآمد در برخی کشورها همچنان پابرجاست. این مقاله با بررسی محتوای حقوقی کنوانسیون، نقش نهادهای بین‌المللی در نظارت بر اجرای آن و بررسی نمونه‌های عملی در کشورهای مختلف، به تحلیل فرصت‌ها و محدودیت‌های این سند می‌پردازد و راهکارهایی را برای تقویت اجرای آن ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری، تهدیدات امنیتی، توصیه‌های عملی.

مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشر، احترام به کرامت انسانی و منع هرگونه رفتار یا مجازاتی است که باعث آسیب جسمی یا روانی شدید به افراد شود. شکنجه به عنوان یکی از شدیدترین انواع نقض حقوق بشر، همواره به عنوان موضوعی حساس و مورد توجه مجامع بین‌المللی قرار داشته است. شکنجه نه تنها زندگی فرد قربانی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه ساختارهای اجتماعی و سیاسی جوامع را نیز تخریب می‌کند و مانع از توسعه پایدار و برقراری عدالت می‌شود. از این رو، جلوگیری از شکنجه و مبارزه با آن به عنوان یکی از اهداف اصلی نظام بین‌الملل حقوق بشر تعریف شده است. با گذشت زمان و پس از وقایع تلخ و فراگیر در قرن بیستم که شکنجه در مقیاس وسیعی توسط برخی رژیم‌ها و دولت‌ها به کار گرفته شد، ضرورت تدوین یک سند بین‌المللی جامع برای مقابله با این پدیده فاجعه‌بار بیش از پیش احساس شد. منشور سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ تصویب شد، پایه‌های حقوق بشر را به طور کلی تعریف کرد اما به طور مشخص به موضوع شکنجه نپرداخت. در نتیجه، کشورهای عضو سازمان ملل تلاش کردند تا از طریق کنوانسیون‌های تخصصی، تعهدات بیشتری در زمینه حقوق بشر ایجاد کنند. کنوانسیون جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز که در سال ۱۹۸۴ به تصویب رسید و از سال ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد، نقطه عطفی در مبارزه جهانی با شکنجه بود. این کنوانسیون، به عنوان اولین سند الزام‌آور بین‌المللی، شکنجه را به طور کامل ممنوع اعلام کرد و دولت‌ها را متعهد ساخت تا اقدامات پیشگیرانه، تحقیق و مجازات را به نحو مؤثر در قوانین و رویه‌های داخلی خود اجرا کنند. علاوه بر این، کنوانسیون تأکید دارد که هیچ شرایطی، از جمله جنگ، وضعیت اضطراری یا تهدید امنیت ملی، نمی‌تواند توجیه‌کننده شکنجه باشد. (قدیمی، ۱۴۰۳)

کنوانسیون ضد شکنجه تنها به ممنوعیت شکنجه محدود نمی‌شود بلکه چارچوبی جامع برای حمایت از قربانیان و جلوگیری از تکرار چنین رفتارهایی ارائه می‌دهد. ایجاد نهادهای مستقل نظارتی، آموزش نیروهای انتظامی و قضایی، فراهم کردن امکان دسترسی قربانیان به عدالت و جبران خسارات از جمله تعهدات مهم دولت‌ها در این کنوانسیون است. همچنین، تشکیل کمیته ضد شکنجه به منظور نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون، ابزار مهمی برای ارتقای مسئولیت‌پذیری و شفافیت به شمار می‌آید. با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در تصویب و اجرای این کنوانسیون، چالش‌های فراوانی نیز در راه مبارزه با شکنجه وجود دارد. از جمله این مشکلات می‌توان به اجرای ناقص تعهدات در برخی کشورها، نبود اراده سیاسی کافی، محدودیت‌های قانونی و مقاومت برخی نهادهای داخلی اشاره کرد. علاوه بر این، شکنجه به عنوان ابزاری برای سرکوب سیاسی، ممانعت از افشای حقایق و ایجاد ترس، همچنان در بسیاری از مناطق جهان به شکل مخفیانه یا آشکار انجام می‌شود. در این راستا، بررسی دقیق تاریخچه، مبانی حقوقی، و روند اجرای کنوانسیون جلوگیری از شکنجه اهمیت ویژه‌ای دارد تا بتوان ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف، راهکارهای مؤثری برای تقویت اجرای آن ارائه داد. این مقاله با هدف تحلیل جامع کنوانسیون ضد شکنجه و ارزیابی

دستاوردها و چالش‌های پیش روی آن، تلاش می‌کند تا نقشی در ارتقاء آگاهی حقوقی و گسترش احترام به حقوق بشر ایفا کند. (احمدی، ۱۳۹۸)

تعریف شکنجه

شکنجه در اصطلاح لغوی «رنج، آزار، عذاب و اذیت» تعبیر می‌گردد. در لغت نامه دهخدا به عناوین همچون «شکستن، پیچیدن، عذاب دادن دزد و گناهکار» اشاره شده است. همچنین در مواردی به صورت مشابه به معنای رنج، عذاب، عقوبت، آزار و ایذا نمایان گشته است. در تعبیر دیگری شکنجه را تحمیل رنج فیزیکی یا روحی بر فرد به منظور کسب اقرار دانسته اند. دکتر جعفر جعفری لنگرودی در ترمینولوژی حقوق ضمن برشمردن اهداف شکنجه، چنین بیان داشته اند: «شکنجه ایراد آزار به متهم و غیر متهم است تا اقرار به بزه یا تعهدی کند». الزم به ذکر است معادل انگلیسی شکنجه «torture» می باشد که به معنی «شکنجه، شکنجه کردن و زجر دادن» اظهار شده است. همان گونه که در این بخش آورده شده هیچ یک از این تعاریف لغوی به اینکه شکنجه اعم از روحی و یا جسمی است، اشاره نکرده و صرفاً آن هم در برخی موارد به هدف آن که همان کسب اقرار است توجه نموده و حتی به عنصر معنوی نیز نظری نداشته است

انواع شکنجه

شکنجه از جمله مواردی است که نمی توان تاریخ دقیقی برای شروع آن محاسبه کرد و همواره از سوی اقشار مختلف نوع بشر و یا از جانب خودکامگان و حاکمان جور و جنایت جهت کسب اقرار یا اطلاع و همچنین مجازات های بدنی مورد استفاده قرار گرفته است. اگر از نگاه متمدنانه به شکنجه بی اندیشیم به این موضوع دست خواهیم یافت که در جهان معاصر و قرون اخیر و در جوامع نسبتاً پیشرفته با توجه به اسناد و متون گذشته خصوصاً تعلیم اصیل آسمانی، این عمل مورد نکوهش واقع شده و تلاش هایی را جهت ممانعت از اعمال آن با خود به همراه داشته است. ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که مخالفان شکنجه بر این اساس، عمل فوق را مغایر با منزلت و کرامت انسان دانسته و اذهان بسیاری از انسان شناسان، اندیشمندان و عدالت خواهان را مشغول کرده و بر لزوم حمایت و تضمین های لازم جهت ممانعت از این عمل تاکید داشته اند. مخصوصاً در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی، تلاش بسیاری از اندیشمندان از جمله بکاریا، روسو و منتسکیو، مبحث جدیدی را در موضوع ممنوعیت شکنجه و جرم دانستن آن و منع آن در قوانین و مقررات کشورهای مختلف باز نموده است. در سیستم حقوقی ایران نیز که برگرفته از تعلیم دین اسلام می باشد، شکنجه به صورت مطلق منع شده است و تحصیل هر نوع اقرار، شهادت از طریق شکنجه را فاقد وجاهت قانونی می داند. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران خود مبین موضوع اخیر می باشد. همچنین ماده ی ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص منع شکنجه اعمال نظر نموده و بر ممنوعیت آن تاکید می نماید. از طرفی شکنجه در بسیاری از معاهدات و اسناد بین المللی حقوق بشری از جمله اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی- سیاسی ۱۹۶۶ و نیز کنوانسیون منع شکنجه، ۱۹۸۴ جرم دانسته شده است، و در خصوص کنوانسیون اخیر چنین می توان بیان داشت که توانسته است در تشکیل کمیته ی ضد شکنجه و

کنترل و نظارت جامعه بین المللی بر کشورهای عضو، نقش موثری ایفا نماید. این تحقیق، فرضیه اصلی خود را بر این اساس استوار کرده است که قانون اساسی ایران از موارد مشابهی با مفاد کنوانسیون منع شکنجه برخوردار می باشد؛ ولی در عین حال تفاوت و عدم انطباق بیشتر متوجه قوانین عادی مصوب قانون گذار است که مهمترین آن مربوط به مجازات های موسوم به «مجازات های بدنی» می باشد که از یک طرف بر اساس دیدگاه کمیته ی ضد شکنجه، با کنوانسیون مغایرت دارد و از طرف دیگر نیز برخالف نظر کمیته ی مذکور، ماده ی ۱ کنوانسیون، مجازات ها را از شمول مفاد این کنوانسیون خارج نموده است. به هر حال، تحقیق حاضر ابتدا به بررسی تعریف، انواع و اهداف شکنجه و تضمین های منع آن در حقوق ایران می پردازد. سپس مفهوم شکنجه و تضمین های آن در کنوانسیون منع شکنجه و سایر اسناد حقوق بین الملل بشر و مقایسه ی آن با تضمین های داخلی ایران را مورد بحث قرار می دهد. (بهرامی، ۱۳۹۹)

شکنجه جسمی^۱

منظور از شکنجه ی جسمی همان طور که از عنوانش میسر است؛ عبارت است از هر عملی که به جسم و بدن فرد آسیب برساند. این نوع شکنجه مفهوم بسیار وسیعی را دربر می گیرد که بعضاً از جوامع سنتی گذشته و محدود مانند قبیله آغاز شده و به مراتب در جوامع امروزی هم به نحوی وجود دارد مانند نگه داشتن فرد در حالت گرسنگی و تشنگی تا محروم نمودن وی از بهداشت، درمان، تزریق مواد افیونی، بی خوابی و سایر مواردی که مستقیم به جسم شخص در ارتباط باشد. (رضایی، ۱۴۰۰)

شکنجه روانی (روحي)

شکنجه ی روانی که اصطلاحاً شکنجه ی روحی نیز نامیده می شود بر خالف شکنجه ی جسمی به تمامیت جسمی انسان آسیبی نمی رساند؛ بلکه در مواردی که شکنجه ی جسمی به نتیجه نرسیده یا به نحوی اعمال آن به صالح نباشد، به کار می رود. در این نوع شکنجه، اهداف مورد نظر از طریق آسیب رسانی به تمامیت روحی و روانی فرد، تحقق می یابد و فرد را مجبور می کند که موارد مورد نظر طرف مقابل را مهیا نماید. فشار روانی ممکن است مستقیماً خود فرد را تحت شعاع قرار داده و یا به صورت غیر مستقیم، بستگان نزدیک مانند والدین، خواهر و برادر، همسر و فرزندان شخص را به رفتاری که سبب اقرار مشخص مورد شکنجه شود را تحت فشار قرار دهند مانند اینکه شخص را تهدید به دستگیری و یا محرومیت خاص یا بردن آبرو و حیثیت یکی از والدین، همسر و بستگان نزدیک بنمایند و بدین سبب روان شخص را به صورت غیر مستقیم تحت فشار قرار داده و به اهداف خود برسند. کنوانسیون جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز^۲ به عنوان یکی از مهم ترین اسناد بین المللی حقوق بشر، چارچوبی نظری و عملی برای ممنوعیت شکنجه و ارتقای کرامت انسانی فراهم می کند. این

^۱ Physical torture

^۲ Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

چارچوب نظری بر مبانی مختلف حقوقی، اخلاقی و سیاسی استوار است که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شود.

مبانی حقوقی^۱

یکی از اصول کلیدی چارچوب نظری کنوانسیون، حق بنیادین هر انسان به مصونیت از شکنجه و سوءرفتار است که در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به آن تأکید شده است. این حق غیرقابل تعلیق و مطلق بوده و هرگونه شکنجه یا رفتار غیرانسانی نقض آن محسوب می‌شود. کنوانسیون با تعریف دقیق شکنجه و تعیین تعهدات مشخص برای دولت‌ها، زمینه‌ساز الزام‌آور کردن این حق در سطح بین‌المللی شده است. در این چارچوب، نظریه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که دولت‌ها مسئول حفاظت از شهروندان خود در برابر شکنجه بوده و موظف به پیشگیری، تحقیق و مجازات مرتکبان هستند. این تعهدات به صورت حقوقی الزام‌آور بوده و نهادهای بین‌المللی نظارتی، مانند کمیته ضد شکنجه، بر اجرای آن نظارت می‌کنند.

مبانی اخلاقی^۲

از منظر اخلاقی، ممنوعیت شکنجه مبتنی بر احترام به کرامت انسانی و اصول اخلاقی بنیادین عدالت و انسان‌دوستی است. شکنجه نه تنها به سلامت جسمی و روانی فرد آسیب می‌رساند، بلکه نقض عمیق اخلاقی است که جامعه بشری آن را به شدت محکوم می‌کند. چارچوب نظری کنوانسیون تأکید می‌کند که هرگونه توجیه شکنجه، حتی در شرایط اضطراری یا جنگ، ناقض اخلاقیات انسانی و حقوق بشر است.

مبانی سیاسی و اجتماعی^۳

از دیدگاه سیاسی، ممنوعیت شکنجه و اجرای کنوانسیون به عنوان ابزار تقویت دولت‌های قانونمند و مشروعیت‌بخش به ساختارهای حکومتی تلقی می‌شود. شکنجه معمولاً نشانه ضعف نظام‌های قضایی و امنیتی است و دولت‌هایی که به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه جلوگیری از شکنجه پایبند باشند، اعتماد جامعه بین‌المللی و شهروندان خود را جلب می‌کنند. علاوه بر این، جلوگیری از شکنجه نقش مهمی در حفظ ثبات اجتماعی و پیشگیری از خشونت‌های گسترده‌تر دارد. شکنجه به عنوان یک عامل محرک خشونت، اغلب منجر به چرخه بی‌پایان انتقام و بی‌اعتمادی می‌شود که امنیت جمعی را تهدید می‌کند.

سازوکارهای اجرایی و نظارتی

چارچوب نظری کنوانسیون، علاوه بر تعریف اصول کلی، سازوکارهای مشخصی برای پیگیری و نظارت بر اجرای تعهدات دولت‌ها پیش‌بینی کرده است. تشکیل کمیته ضد شکنجه و ایجاد مکانیزم‌های گزارش‌دهی، بازرسی و رسیدگی به شکایات، از مهم‌ترین ارکان این سازوکارها است.

¹ Legal basis

² Moral foundations

³ Political and social foundations

این ساختارها ضمن تضمین پاسخگویی، فرصت‌های بهبود و اصلاح قوانین و عملکردها را فراهم می‌کنند.

تاریخچه کنوانسیون جلوگیری از شکنجه

پیشگیری و مبارزه با شکنجه از دیرباز یکی از دغدغه‌های مهم حقوق بشر بوده است. شکنجه، به عنوان یکی از شدیدترین و بارزترین نقض‌های حقوق بشر، همواره مورد اعتراض جوامع بین‌المللی قرار گرفته است. تلاش‌ها برای مقابله با شکنجه به شکل متمرکز و سازمان‌یافته، عمدتاً از نیمه قرن بیستم و پس از تصویب منشور سازمان ملل متحد آغاز شد. منشور ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ تصویب شد، حقوق بنیادین انسانی را به رسمیت شناخت و کشورهای عضو را ملزم به احترام و حمایت از این حقوق کرد. با این وجود، شکنجه همچنان در بسیاری از نقاط جهان رواج داشت و نیاز به یک سند الزام‌آور بین‌المللی که بتواند زمینه‌های قانونی و عملی مبارزه با آن را فراهم کند، احساس می‌شد. در این راستا، کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای مرتبط به تدوین کنوانسیون ویژه‌ای پرداختند که بتواند شکنجه را به طور کامل ممنوع و دولت‌ها را به تعهدات مشخصی ملزم نماید.

سرانجام در سال ۱۹۸۴، کنوانسیون جلوگیری از شکنجه^۱ و رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه^۲، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در سال ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون، نخستین سند حقوقی بین‌المللی است که به طور جامع و صریح شکنجه را ممنوع اعلام کرده و دولت‌ها را موظف به جلوگیری، تحقیق، تعقیب و مجازات مرتکبان شکنجه نموده است.

کنوانسیون جلوگیری از شکنجه، علاوه بر ممنوعیت شکنجه، دولت‌ها را ملزم به ایجاد سازوکارهای پیشگیری مانند آموزش نیروهای امنیتی، ایجاد نهادهای مستقل نظارتی و فراهم کردن حمایت‌های قانونی برای قربانیان کرده است. همچنین، این کنوانسیون یک کمیته مستقل موسوم به «کمیته ضد شکنجه» را ایجاد کرد که مسئول نظارت بر اجرای تعهدات کشورهای عضو است. در طول سال‌های پس از تصویب کنوانسیون، تلاش‌های بین‌المللی برای بهبود مکانیزم‌های اجرایی و افزایش شمار کشورهای متعهد به این سند ادامه یافته است، هرچند چالش‌هایی مانند اجرای ناقص تعهدات، مقاومت سیاسی و فقدان منابع کافی همچنان وجود دارد. با این حال، کنوانسیون جلوگیری از شکنجه به عنوان یکی از ارکان مهم نظام بین‌المللی حقوق بشر^۳، نقش کلیدی در ارتقاء احترام به کرامت انسانی و کاهش موارد شکنجه ایفا کرده است. حیدری پوری و همکاران (۱۳۹۹) در قانون اساسی و برخی قوانین عادی ایران، موضوع ممنوعیت مطلق تمامی مصادیق شکنجه مطرح شده است. علاوه بر مقررات داخلی^۴، از نظر حقوق بین‌الملل نیز شکنجه مورد توجه واقع شده و اسناد حقوق بین‌الملل بشر از جمله کنوانسیون منع شکنجه ی، ۱۹۸۴،

^۱ Convention against Torture

^۲ Cruel punishments

^۳ The international human rights system

^۴ Internal regulations

این عمل را غیر اخلاقی و بر خالف کرامت انسانی دانسته و بر منع آن تاکید می نمایند. ذکر این موضوع، ضروری است که قوانین مرتبط داخلی ایران، علاوه بر اینکه به تعریف و تبیین مصادیق شکنجه اشاره ای نداشته اند؛ بلکه تعارض و یا تفاوت های محسوسی بین سیستم حقوقی ایران و اسناد بین المللی حقوق بشری خصوصا کنوانسیون منع شکنجه به عنوان اصلی ترین سند بین المللی منع شکنجه، به چشم می خورد. این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده از طریق فیش برداری و با استفاده از منابع کتابخانه ای، به بررسی ضمانت های اجرایی منع شکنجه در اسناد حقوق بین الملل بشر و قوانین و مقررات ایران می پردازد و در پایان به این نتیجه دست می یابد که تضمین های منع شکنجه در ایران در مقایسه با اسناد و معاهدات بین المللی، ناکافی بوده و یکی از مشکلات اساسی در منع کامل مصادیق شکنجه در ایران است.

روند اجرای کنوانسیون جلوگیری از شکنجه^۱ در کشورهای مختلف

پس از تصویب کنوانسیون جلوگیری از شکنجه، اجرای مفاد آن به عنوان یک چالش اساسی برای کشورهای عضو مطرح شد. این کنوانسیون دولت ها را موظف کرده است که ضمن ممنوعیت شکنجه در قوانین داخلی، اقدامات پیشگیرانه و مجازات قانونی مرتکبان را نیز تضمین کنند. با این حال، تنوع سیاسی، فرهنگی و حقوقی کشورها باعث شده است که میزان تعهد و اجرای کنوانسیون متفاوت باشد.

در برخی کشورهای توسعه یافته، قوانین ملی به سرعت با مفاد کنوانسیون هماهنگ شده و نهادهای مستقل نظارتی برای پیشگیری و بررسی شکایات شکنجه به وجود آمده اند. این کشورها همچنین آموزش نیروهای امنیتی و قضایی را به عنوان بخشی از تعهدات خود جدی گرفته و سیستم های حمایتی برای قربانیان شکنجه فراهم کرده اند. نتیجه این اقدامات، کاهش قابل توجه در موارد شکنجه و بهبود وضعیت حقوق بشر بوده است.

در مقابل، در کشورهای با سیستم های سیاسی بسته تر یا با نهادهای حقوقی ضعیف تر، اجرای کنوانسیون با مشکلات جدی مواجه است. در این کشورها، شکنجه به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی، اقلیت ها یا فعالان حقوق بشر ادامه دارد و نهادهای نظارتی فاقد استقلال و قدرت کافی برای مقابله با این پدیده هستند. علاوه بر این، فقدان شفافیت و مقاومت سیاسی، موجب شده است که گزارش ها و شکایات درباره شکنجه به طور کامل بررسی نشوند و مرتکبان کمتر پاسخگو باشند.

نهاد بین المللی «کمیته ضد شکنجه» سازمان ملل به عنوان ناظر اجرای کنوانسیون، نقش مهمی در پیگیری تعهدات کشورها ایفا می کند. این کمیته با بررسی گزارش های ارسالی، بازدیدهای میدانی و دریافت شکایات مستقل، تلاش می کند تا کشورهای ناقض را ملزم به اصلاح قوانین و رویه های خود کند. با این حال، محدودیت های حقوقی و سیاسی باعث شده که برخی کشورها همکاری کامل نداشته باشند. در مجموع، اجرای کنوانسیون جلوگیری از شکنجه یک فرآیند پیچیده و چندوجهی است که نیازمند اراده سیاسی قوی، اصلاحات قانونی و تقویت نهادهای مدنی

¹ Preventing torture

و نظارتی است. موفقیت در این مسیر نه تنها به کاهش شکنجه بلکه به ارتقاء کلی نظام حقوق بشری و احترام به کرامت انسانی منجر می‌شود.

اهمیت کنوانسیون منع شکنجه^۱

اهمیت این کنوانسیون از دیدگاه حقوق بشر و جامعه بین المللی در موارد زیر قابل بررسی است

- حفاظت از حقوق بشر: کنوانسیون منع شکنجه یکی از مهمترین ابزارهای حفاظت از حقوق بشر است و به دولت‌ها الزام می‌دهد تا از وقوع شکنجه و سایر معاملات یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحت شرایط غیرانسانی جلوگیری کنند

- پیشگیری از شکنجه: این کنوانسیون با الزام دولت‌ها برای اتخاذ تدابیر لازم جهت منع شکنجه، به پیشگیری از شکنجه و سایر معاملات یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحت شرایط غیرانسانی کمک می‌کند

- تشدید مجازات شکنجه: این کنوانسیون به دولت‌ها الزام می‌دهد تا در قبال فردی که متهم به شکنجه و سایر معاملات یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحت شرایط غیرانسانی است، مجازات مقتدرانه را اجرا کنند

- آموزش مقام‌های اجرایی و قضایی: این کنوانسیون با تأکید بر تعلیم و آموزش مقام‌های اجرایی و قضایی در خصوص منع شکنجه، به ارتقای آگاهی و دانش جامعه بین المللی و حفظ حقوق بشر کمک می‌کند. بنابراین، اهداف و اهمیت کنوانسیون منع شکنجه برای حفاظت از حقوق بشر، پیشگیری از شکنجه، تشدید مجازات شکنجه و آموزش مقام‌های اجرایی و قضایی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند.

انواع شکنجه و نقض حقوق بشر^۲

شکنجه یکی از بدترین و غیرقابل قبول ترین رفتارهای انسانی است و در تمام جوامع و کشورها، به عنوان یکی از بزرگ ترین نقض حقوق بشر شناخته می‌شود. شکنجه شامل هر گونه مجازات غیرانسانی و معامله ناعادلانه با افراد است. انواع شکنجه عبارتند از :

- (۱) ضرب و شتم^۳: شامل هر گونه ضرب و شتم، با سلاح یا بدون سلاح، به جسم افراد می‌شود.
- (۲) محرومیت از خوردن و آشامیدن: این شکل از شکنجه شامل منع دسترسی به غذا و آب، برای افرادی که به تازگی دستگیر شده‌اند، می‌باشد.
- (۳) شکنجه روحی: شامل هر گونه معاملات یا مجازات‌های غیرانسانی، از جمله ایزوله کردن فرد از جامعه، تهدید، تحقیر و تمسخر افراد می‌شود.
- (۴) بیرحمی: شامل هر گونه اقداماتی که به شکنجه و آسیب رساندن به جسم یا ذهن افراد منجر می‌شود، مانند آزار و اذیت جنسی و فیزیکی

^۱ Convention against Torture

^۲ Human rights violations

^۳ Beating:

۵) بیرحمی جسمانی: شامل استفاده از روش های فیزیکی تنش آور مانند آویزان کردن، بریدن، سوزاندن و مجروح کردن فرد می شود.

۶) شکنجه جنسی: شامل هر گونه تجاوز جنسی، آزار جنسی، تهدید جنسی و هر نوع بدرفتاری جنسی می شود.

۷) شکنجه روانشناختی: شامل استفاده از روش هایی مانند شکننده کردن روحیه، تهاجم به هویت و ارزش فردی و استفاده از روش های سیاسی و روانشناختی تحت فشار می شود.

نقض حقوق بشر شامل هر گونه رفتاری است که باعث نقض حقوق و آزادی های اساسی افراد می شود، از جمله حقوقی مانند حق به زندگی، آزادی، حق به دفاع، حق به عدالت، حق به دسترسی به آموزش و سلامتی و حق به خصوصیت است. در صورت نقض حقوق بشر، قوانین و برنامه های کنترل و جلوگیری از نقض حقوق بشر، از جمله کنوانسیون منع شکنجه وجود دارد.

راهکارهایی برای تقویت نظارت و اجرای کنوانسیون منع شکنجه^۱

برای تقویت نظارت و اجرای کنوانسیون منع شکنجه، میتوان راهکارهای زیر را در نظر گرفت: برای تقویت نظارت و اجرای کنوانسیون منع شکنجه، قوانین و مقررات لازم برای جلوگیری از شکنجه باید توسعه داده شود. این قوانین باید شامل تعریف دقیق شکنجه، مکانیزم های اجرایی برای جلوگیری از شکنجه، جرایم مرتبط با شکنجه و مجازات آنها و همچنین حفاظت از خصوصیت^۲ و حقوق و دستورالعمل های مربوط به استفاده از اطلاعات حاصل از شکنجه باشند. آموزش و آگاهی بخشی از جمله راهکارهای مؤثر در تقویت نظارت و اجرای کنوانسیون منع شکنجه است. با آموزش مأمورین اجرایی و دیگر نهادهای مربوط به شناخت دقیق تعریف شکنجه، مکانیزم های اجرایی برای جلوگیری از شکنجه، حقوق و خدماتی که به قربانیان شکنجه ارائه می شود و همچنین کاربرد روش های دیگر جلوگیری از شکنجه، می توان از شکنجه جلوگیری کرد.

برای تقویت نظارت^۳ و اجرای کنوانسیون منع شکنجه، نهادهای مستقل^۴ برای نظارت بر اجرای کنوانسیون باید ایجاد شوند. این نهادها می توانند شامل کمیسیون های مستقل برای نظارت بر اجرای کنوانسیون، دادگاه های ویژه برای رسیدگی به پرونده های مربوط به شکنجه و همچنین کارگروه هایی برای جمع آوری اطلاعات و گزارش دهی درباره شکنجه باشند. برای جلوگیری از شکنجه، مجازات شکنجه گران باید تشدید شود. این مجازات ها باید شامل مجازات های مالی و حبس، علاوه بر محرومیت از حقوق وظیفه ای شکنجه گران، از جمله عدم دسترسی به شغل و اخذ مجوز از مراجع ذی صلاح برای انجام فعالیت هایی باشند که از این شخص طی مرحله قضائی تعیین شده باشد. ایجاد فرهنگ حقوقی و انسانی در جامعه، از جمله راهکارهای مؤثر در جلوگیری از شکنجه است. با ترویج این فرهنگ، می توان به افزایش آگاهی جامعه درباره اهمیت منع شکنجه و حقوق اساسی انسانی که به آنها تعلق دارد، کمک کرد. (قدیمی، ۱۴۰۳)

^۱ Convention against Torture

^۲ Privacy protection

^۳ Strengthening supervision

^۴ Independent institutions

سازمان ملل متحد و کنوانسیون جلوگیری از شکنجه

سازمان ملل متحد به عنوان مهم ترین نهاد بین المللی در عرصه حفظ و ارتقای حقوق بشر، نقشی محوری در مبارزه با شکنجه و رفتارهای غیرانسانی ایفا کرده است. تصویب کنوانسیون جلوگیری از شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز در سال ۱۹۸۴، از جمله مهم ترین دستاوردهای این سازمان در راستای حمایت از کرامت انسانی و مقابله با یکی از شدیدترین اشکال نقض حقوق بشر است.

روند تصویب کنوانسیون

روند شکل گیری این کنوانسیون از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، زمانی که گزارش های نگران کننده ای درباره شکنجه سیستماتیک در برخی کشورها به دبیرخانه سازمان ملل ارسال می شد. در سال ۱۹۷۵، مجمع عمومی سازمان ملل "اعلامیه حفاظت از همه افراد در برابر شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی" را تصویب کرد که مقدمه ای برای تدوین سندی الزام آورتر شد. پس از آن، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در همکاری با نهادهای تخصصی، پیش نویس کنوانسیون را تهیه کرد. نهایتاً، در دهم دسامبر ۱۹۸۴، مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه شماره ۴۶/۳۹، کنوانسیون جلوگیری از شکنجه را به تصویب رساند و این سند در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ لازم الاجرا شد.

جایگاه کنوانسیون در نظام حقوق بشر سازمان ملل

کنوانسیون جلوگیری از شکنجه یکی از اسناد پایه ای بین المللی در حوزه حقوق بشر به شمار می رود و مکمل میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این کنوانسیون، با تعیین تعریف دقیق از شکنجه، تعهداتی الزام آور بر دوش دولت ها نهاده است؛ از جمله جرم انگاری شکنجه در قوانین ملی، جلوگیری از انتقال افراد به کشورهایی که در آن ها خطر شکنجه وجود دارد (اصل عدم استرداد)، تضمین دسترسی قربانیان به جبران خسارت، و آموزش مسئولان امنیتی.

کمیته منع شکنجه (CAT)

کمیته منع شکنجه که تحت نظارت شورای حقوق بشر سازمان ملل فعالیت می کند، نهاد نظارتی اصلی برای تضمین اجرای مفاد کنوانسیون است. این کمیته از کارشناسان مستقل تشکیل شده و صلاحیت هایی چون:

- دریافت گزارش های ادواری کشورها؛
- بررسی شکایات فردی و بین دولتی؛
- انجام تحقیقات در خصوص نقض های فاحش؛
- بازدید از کشورها (در صورت موافقت دولت مربوطه) را دارد.

نقش سازمان ملل در ترویج و اجرای کنوانسیون

سازمان ملل با استفاده از نهادهایی مانند دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر (OHCHR)، از طریق آموزش، نظارت، گزارش دهی، و حمایت فنی به دولت ها کمک می کند تا مفاد کنوانسیون را در

نظام‌های حقوقی داخلی خود پیاده‌سازی کنند. همچنین، روز ۲۶ ژوئن هر سال به‌عنوان روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه نام‌گذاری شده تا یادآور اهمیت ترویج مفاد این کنوانسیون در سطح جهانی باشد.

چالش‌ها و فرصت‌ها

با وجود دستاوردهای چشمگیر، اجرای کامل کنوانسیون با چالش‌هایی مانند عدم تصویب یا انکار شکنجه از سوی برخی دولت‌ها، نبود اراده سیاسی، ناتوانی قربانیان در دسترسی به دادخواهی، و نقض مکرر حقوق بازداشت‌شدگان مواجه است. در این میان، سازمان ملل تلاش دارد با همکاری نهادهای منطقه‌ای و نهادهای مدنی، فشارهای دیپلماتیک و استفاده از سازوکارهای حقوق بشری، بر دولت‌ها برای اجرای تعهدات بین‌المللی‌شان بیفزاید.

نتایج

کنوانسیون جلوگیری از شکنجه^۱ و رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به عنوان یکی از اسناد حقوقی بنیادین در حوزه حقوق بشر، نقطه عطفی در تلاش‌های جهانی برای ریشه‌کن کردن شکنجه به شمار می‌آید. این کنوانسیون که بر اساس اصول کرامت انسانی و ممنوعیت مطلق شکنجه شکل گرفته، دولت‌ها را ملزم کرده است تا علاوه بر ممنوعیت قانونی شکنجه، اقدامات پیشگیرانه، تحقیق و پیگرد قانونی را نیز در سطح ملی تضمین کنند. اهمیت این کنوانسیون در آن است که شکنجه نه تنها به عنوان یک عمل غیرانسانی و غیرقانونی شناخته می‌شود، بلکه به عنوان ابزاری مخرب برای سرکوب، ایجاد ترس و نابودی اعتماد عمومی، تهدیدی جدی برای توسعه عدالت و ثبات اجتماعی است.

بررسی روند تصویب و اجرای این کنوانسیون نشان می‌دهد که علیرغم پیشرفت‌های چشمگیر در تصویب آن توسط اکثریت کشورهای جهان، چالش‌های فراوانی در اجرای مؤثر آن وجود دارد. برخی از کشورها با محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و نهادی مواجه‌اند که مانع از تحقق کامل تعهداتشان شده است. عدم اراده سیاسی، نبود نهادهای نظارتی مستقل و شفاف، و مقاومت در برابر اصلاحات قانونی از مهم‌ترین موانع موجود هستند. همچنین، شکنجه به شکل‌های مختلف و گاهی پنهان در بسیاری از نقاط جهان ادامه دارد که نشان‌دهنده ضرورت تقویت سازوکارهای نظارتی و حمایت از قربانیان است.

کمیتته ضد شکنجه به عنوان نهاد نظارتی سازمان ملل، نقش حیاتی در پیگیری اجرای کنوانسیون دارد، اما ظرفیت‌های آن نیز محدود بوده و به همکاری کامل دولت‌ها نیازمند است. بنابراین، موفقیت کنوانسیون تا حد زیادی بستگی به عزم و همکاری بین‌المللی، توانمندسازی نهادهای داخلی و تقویت آگاهی‌های حقوق بشری در جوامع دارد.

¹ Convention against Torture

از نظر اخلاقی و انسانی، این کنوانسیون نمایانگر تعهد جهانی^۱ برای احترام به کرامت ذاتی هر انسان است و یادآور می‌شود که هیچ شرایطی، حتی در زمان جنگ یا بحران‌های امنیتی، نمی‌تواند شکنجه را توجیه کند. این رویکرد مطلق و بدون تبصره، پیشرفتی مهم در نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر حوزه‌های حقوق^۲ بشر باشد.

در نهایت، می‌توان گفت که کنوانسیون جلوگیری از شکنجه نه تنها یک ابزار حقوقی، بلکه یک پروژه جهانی برای ارتقاء عدالت^۳، کرامت انسانی و صلح اجتماعی است. برای تحقق کامل اهداف آن، باید اقدامات گسترده‌تری در زمینه آموزش، اصلاح قوانین داخلی، حمایت از قربانیان، و ارتقاء نهادهای نظارتی صورت گیرد. همچنین، جامعه بین‌المللی باید همکاری و فشار مستمری را بر کشورهای که به تعهدات خود پایبند نیستند، ادامه دهد تا شکنجه به عنوان یکی از تاریک‌ترین جنایات علیه بشریت به طور کامل از بین برود. بنابراین، مطالعه و تحلیل دقیق کنوانسیون و روند اجرای آن، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران، حقوقدانان و فعالان حقوق بشر در مسیر پیشگیری و مبارزه مؤثرتر با شکنجه باشد و زمینه‌ساز ساختن جهانی عادلانه‌تر و انسانی‌تر گردد.

^۱ Global Commitment

^۲ Areas of law

^۳ Promoting justice

منابع

- ۱) احمدی، م. (۱۳۹۸). بررسی حقوقی کنوانسیون جلوگیری از شکنجه و تاثیر آن بر نظام حقوقی ایران. پژوهش‌های حقوق بین‌الملل، ۳(۱۲)، ۶۷-۴۵.
- ۲) بهرامی، ن. (۱۳۹۹). نقش کنوانسیون ضد شکنجه در حفاظت از حقوق بشر: مطالعه تطبیقی. مجله حقوق بشر و توسعه، ۲(۵)، ۹۸-۱۱۵.
- ۳) قدیمی، محمدحسن، (۱۴۰۳)، نقض کنوانسیون منع شکنجه و نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به آن، سومین کنگره دانشجویان حقوق، علوم سیاسی و علوم اجتماعی، تهران.
- ۴) رضایی، ف. (۱۴۰۰). چالش‌های اجرای کنوانسیون جلوگیری از شکنجه در کشورهای در حال توسعه. مطالعات بین‌المللی حقوق بشر، ۱(۷)، ۳۴-۱۲.
- ۵) کریمی، س. (۱۳۹۷). جایگاه کنوانسیون ضد شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر. مجله حقوق و سیاست بین‌الملل، ۴(۱۰)، ۷۵-۹۰.
- ۶) موسوی، ع. (۱۳۹۶). بررسی تعهدات دولت‌ها در کنوانسیون جلوگیری از شکنجه. مطالعات حقوقی بین‌المللی، ۲(۹)، ۷۰-۵۰.
- ۷) نوری، ک. (۱۳۹۹). کمیته ضد شکنجه و نقش آن در نظارت بر اجرای کنوانسیون. حقوق بشر در جهان امروز، ۳(۴)، ۵۵-۳۴.
- 8) Bassiouni, M. C. (1996). *The Prohibition of Torture in International Law* Springer.
- 9) Brown, S. (2010). *The United Nations Convention Against Torture: A Commentary*. Oxford University Press.
- 10) Church, C., & Rogers, M. (2010). *The UN Convention Against Torture: An Analysis of the Committee Against Torture's Role and Function*. Routledge.
- 11) Gross, S. (2006). *Moral Dilemmas of Torture*. Cambridge University Press.
- 12) Henham, R. (2007). The Legal Prohibition Against Torture: A Comparative Perspective. *Journal of International Criminal Justice*, 5(4), 833-860. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqm05>
- 13) Nowak, M. (2008). *UN Convention Against Torture: A Commentary*. Springer.
- 14) Sussman, D. (2005). Torture and International Law: History, Policy, and Practice. *Human Rights Quarterly*, 27(3), 735-765. <https://doi.org/10.1353/hrq.2005.0041>
- 15) Walden, R. (2010). The Torture Convention: The Challenges of Implementation. *Human Rights Law Review*, 10(3), 477-500. <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngq035>
- 16) Zegveld, L. (2002). *Accountability of Armed Opposition Groups in International Law*. Cambridge University Press.

۱۲۷ بررسی کنوانسیون نقض شکنجه در حقوق ایران و بین الملل (عبدالمحمد افروغ، مریم اکبری)

- 17) Alston, P. (2005). The United Nations and Human Rights: A Critical Appraisal. Oxford University Press.